

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1398/02/10



موضوع: تحقیق تکمیلی درباره مسئله شماره پانزده

به طور خلاصه گفته شد که اگر صاحب عادت قبل از رسیدن عادت به اندازه قلیل یا به اندازه یک روز یا دو روز قبل از عادت رویت دم داشته باشد حال به حیض می شود که مورد اتفاق هست و مورد نصوص. اما بحث در این است که در همین مسئله که قبل از عادت رویت دم حمل به حیض می شود داخل عشره ایام قرار داشته باشد آنگاه این تعجیل یا این رویت دم قبل از عادت فقط در حد یک یا دو روز است یا تا سه روز و اینها اگر باشد باز هم حیض حساب می شود. در متن رای دوم انتخاب شده است سید می فرماید که «او مع تقدمه او تاخره یوماً او یومین او ازید» یعنی بیشتر از دو روز هم اگر رویت دم پیشاپیش صورت بگیرد حمل به حیض می شود ولی «علی وجه یصدق علیه تقدم العاده او تاخرها ولو لم یکن الدم بالصفات و ترتب علیه جمیع احکام الحیض» در همین رابطه بحث این است که آیا جمود کرد و آنچه که در نص آمده که تقدم در حد یک روز یا دو روز باشد یا نه آنچه که در متن آمده نه در نص، در متن آمده که ازید هم اگر از دو روز باشد حمل به حیض می شود این دو قول شد. بنابراین باید ببینیم مقتضای ادله کدام یکی است.

کلام سید الخوئی

سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه این مسئله را مفصل بیان می کند ما حصل فرمایش ایشان و با اضافات از این قرار است که مطابق تحقیق هم هست که درباره تقدم باید منحصرأ همان تقدم یوم یا یومین را در نظر گرفت بیشتر از آن دلیل نداریم. برای اینکه اولاً در روایت موثقه ابی بصیر آمده است تقدم بیومین، در کلام خود امام یومین آمده است. در

صورتی که یومین در کلام خود امام آمده باشد ما درست به همان اعتناء می کنیم و بیشتر از آن خارج از حدود نص می شود. از امام صادق علیه السلام «فی المراه تری الصفره فقال ان کان قبل الحیض بیومین» [1] در این حدیث یومین در کلام خود امام آمده، پس از که در کلام خود امام بیاید به آن باید ترتیب اثر داد. سوال و جواب: یومین تقریباً عدد است و عدد مفهوم ندارد می گوئیم درست است عدد مفهوم ندارد اما اگر عددی بود یا وصفی بود در کلام که اگر به آن عدد اعتماد و اعتناء نشود موجب لغویت در ذکر آن وصف و عدد بشود اینجا قطعاً موضوعیت پیدا می کند، شما مفهوم نگوئید بگوئید موضوعیت دارد. موضوعیت یعنی منحصرراً دو روز باید باشد سه روز اگر شد مورد نص نیست خارج از مورد نص است که سه روز اگر بشود خارج از مورد نص هست و به آن اعتناء نمی شود. در روایت اول من حیث النص تصریح شده است یومین و شرحش را هم دادیم که به آن باید اکتفاء بشود. از سوی دیگر اطلاقی نداریم که در آن اطلاق مسئله رویت دم قبل از عادت مطلق باشد دو روز و سه روز هم بگیرد چنین اطلاقی نداریم بنابراین خود نص مطلب را اعلام می کند از آن طرف هم اطلاقی نیست مطلب کامل است و می شود تحقیق یعنی همان یک روز یا دو روز. مضافاً بر اینکه قاعده داشتیم که هر مطلبی و هر حکمی که برخلاف قاعده باشد اخذ به قدر متیقن می شود. اینجا قاعده این است که عادت محقق باشد الان دو روز جلو آمده باز هم حمل به حیض می کنیم خلاف قاعده است این خلاف قاعده در حد قدر متیقن باید اخذ بشود که همان دو روز هست. [2]

تعلیل در روایت

در اینجا مطلبی گفته شده است از سوی شیخ انصاری قدس الله نفسه الزکیه در موثقه سماعه که در آن موثقه یک تعلیل وجود دارد که آن تعلیل تعمیم اعلام می کند که تقدم منحصر به دو روز نیست سه روز هم می شود. در این موثقه تعلیل آنجاست که «قال سالت عن المراه تری الدم قبل وقت حیضها فلیبتدئ الصلاه فانه ربما تعجل به الوقت» تعلیل «تعجل» است که معنای آن این است که ضبط و انضباط نیست مضبوط سر جا محکم نشده، «تعجل» معنایش این است که جا به جایی امکان دارد تقدم امکان دارد این «ربما تعجل» تعلیل است و عموم تعلیل می رساند که سه روز هم اگر باشد اشکالی ندارد. درباره این استدلال اولاً گفته می شود که این استدلال شبهه قیاس دارد، یک قیاسی است تاخر را با تقدم قیاس کردیم در متن آمده تقدم بیومین آمده شما قیاس کردید به تقدم بیشتر، این اولاً و ثانیاً این روایت معارض است به صحیح محمد بن مسلم که در آنجا می فرماید: «سالت اباعبدالله علیه السلام عن المراه تری الصفره فی ایامها فقال لا تصل حتی تنقضي ایامها و ان رأی الصفره فی غیر ایامها توضوت و صلت» [3] این جمله آخر که در این صحیح آمده است که اگر صفره قبل از ایام باشد یعنی غیر ایام که قبل را هم می گیرد غیر ایام باشد حیض نیست این تعارض دارد با آن، در صورتی که تعارض داشت دلالت و وجهی که شیخ انصاری می فرماید کامل نیست. مضافاً بر اینکه این توجیهی که شیخ انصاری فرمودند در آخر در ضمن بیان مفصل که خود ایشان هم می فرماید

که انصاف این است که تقدم در حد قلیل باشد که عرف آن تقدم را ملحق به عادت بداند. شیخ در آخر توجیه خودش را هم می آید این گونه اصلاح می کند. در آخر در ضمن بحث می فرماید که مستفاد از نصوص و انصاف این است که تقدم در حدی باشد که ملحق به حساب بیاید این را که می گوید این حرف آن تعلیلی که آنجا فرمودند صدمه می زند که ملحق همان یکی دو روز است دیگر، سه روز اگر بشود اقل حیض مستقل می شود از ملحق می آید بیرون. در این رابطه دیگر بحثی نداریم. بنابراین به این نتیجه رسیدیم که تقدم باید جمع بین احکام موضوعین کرد یعنی هم حیض و هم استحاضه. اما پس از این مطلب دیگری عنوان می شود که درباره تأخر آیا این تقدمی که آمده است در نص یومین، تاخر هم همین است؟ یعنی اگر یومین یا کمتر و بیشتر باشد باز هم اشکال ندارد جزء حیض به حساب می آید؟ سیدنا می فرماید: معروف این است که تأخر را هم وصل می کند به همان تقدم و این حکم همان تقدم را دارد. و صاحب حدائق قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این مطلب از اطلاق ادله استظهار استفاده می شود. [4] که در باب سیزده از ابواب حیض ادله استظهار و نصوص استظهار آنجا آمده است که مراجعه کنید که اگر بعد از حیض باز هم خون ادامه داشت بعد از انتهای مدت خون اگر ادامه داشت استظهار کند به وسیله صفات که می شود حیض باشد و می شود حیض نباشد. این ادله استظهار اعلام می کند که متاخر از عادت رویت دم بیوم یا یومین ملحق به حیض می شود. سیدنا می فرماید که فرمایش ایشان درست است اطلاق استظهار همین نتیجه را می دهد که اطلاق دارد استظهار هم بعد از عادت هست یوم یا یومین یا سه روز حتی بعد از عادت استظهار بشود می شود حیض باشد نشان می دهد که بعد از عادت یکی دو روز سه روز هم احتمال حیض وجود دارد. این درست است، اطلاق این ادله درست است

تعارض ادله با روایت صحیحه

اما می فرماید این ادله تعارض می کند تعارضش به همان صحیحه ای که گفتم صحیحه محمد بن مسلم تعارض می کند که فرمود: اگر صفره بعد از «رأت الصفره فی غیر ایامها» خلاصه مضمونش این است که اگر صفره در غیر عادت ببیند حمل به حیض نمی شود. درست اطلاق استظهار که روایت استظهار کاملاً کنار گذاشته نمی شود اطلاقش تعارض دارد در صورتی که اطلاق تعارض بکند نسبت اعم و اخص من وجه تعارض می کند و تساقط. پس از که تعارض صورت گرفت طبیعتاً برمی گردیم به عمومات و مقتضای عمومات این است که ادله حیض فقط عادت و صفات را می گیرد اما اگر صفره باشد خارج از عادت مشمول دلیل حیض نخواهد بود. تا اینجا این مطلب را گفتیم یک نکته دیگر هم اضافه می شود حرف اصلی این بود که اطلاق ادله استظهار قابل انکار نیست و تعارض می کند اما دو تا وجه دیگر هم گفته شده است که آن دو وجه دیگر را یادآور بشویم: 1. گفته می شود که تأخر از تقدم صورت بهتری دارد برای اینکه جریان صورت گرفته و ممکن است همان حیضی که الان در جریان هست یکی دو روز دیگر هم ادامه پیدا کند این منشأش که حیض هست

جریان که صورت گرفته این من حیث التحلیل اولی هست از اینکه بگوییم قبل از عادت رویت دم داشته، آن اصلاً جا ندارد اتفاق اگر بیافتد اینکه الان کار شروع شده است ادامه پیدا می کند پس تاخر وجهی دارد کانما تحلیلی است وجدانی و یا بگوییم مطلبی است که به قاعده اغلب وصل می شود قاعده اغلب را محقق قمی می گوید که قاعده عقلیه شرعیه قطعیه. در جواب این اشکال گفته می شود و سید هم فرموده است و اضافه هم و تحلیل هم همین است که این گونه تحلیل در فقه اگر نصی داشته باشیم تحلیل در حد یک موید خوب است و الا خود تحلیل را دلیل قرار بدهیم می شود یک استحسان، از حد یک استحسان بالا نمی رود بنابراین این دلیل شما که استحسان شد. اگر مطلقات را در نظر بگیریم که مطلقات آن روایات مختلفی داشتیم که در آن روایات می شود بگوییم یک اطلاق هایی وجود دارد از جمله مثلاً موثق سماعه [5] بود و روایت ابی حمزه [6] بود اینها اطلاق داشت ما یک مروری به این روایات بکنیم، علی بن ابی حمزه «سئل ابو عبد الله و انا حاضر عن المرأة ترى الصفره فقال ما كان قبل الحيض فهو من الحيض و ما كان بعد الحيض فليس منه» که اولاً درباره این حدیث آمده است که قبل الحيض از حیض هست بعد از حیض اگر صفره دیده شود که حیض نیست. این دلیل را ما می خواهیم بگوییم موید می شود برای مقصود ما، اطلاقی در این روایت دیده نمی شود، مدلولی که دارد به نفع ماست که بعد از حیض ملحق به حیض نیست و قبل از حیض ملحق به حیض است.

ابو حمزه بطائی در رجال اعتبار ندارد

متأسفانه این حدیث ابو حمزه بطائی است بطائی نقل می کند در رجال آمده است که بطائی کذاب است بنابراین پس از که در رجال برایش گفته شده باشد کذاب، اعتماد به این روایت از اساس نمی شود. و اما اطلاقی که ببینیم آمده باشد این است «إذا رأيت الدم قبل وقت حیضها فلتدع الصلاة» این اطلاق است. شما ادعا می کنید که این اطلاق دلالت دارد بر مطلوب ما متقدم باشد یا متاخر باشد اشکالی ندارد اما این اطلاق را نصی که داشتیم موثق ابوبصیر بود تقیید می کند طبیعتاً به یوم و یومین قبل و روایت ابو حمزه هر چند سندش معتبر نبود در حد موید تقیید می کند که قبل از حیض باشد نه بعد از حیض. تا به اینجا مسئله به این نتیجه رسید همان طوری که متن می خوانیم که ما به این نتیجه می رسیم که تاخرها اگر صفره بود دلیل ندارد اما اگر تأخرها مع الصلاة بود قطعاً مراجعه می کنیم دیگر به دلیل عادت مراجعه نمی کنیم به دلیل صفات مراجعه می کنیم که اگر تاخر بود و دارای صفات بود صفات شیخ انصاری می فرماید که صفات درست یک طریقی است شرعاً برای اثبات این مطلوب، شرع آن را طریقی قرار داده طریقی معتبر و براساس صفات اخذ می کنیم این تا به اینجا درباره ذات العاده بود اما اگر فرد ناسیه بود یا مبتدئه بود یا مضطربه بود که ناسیه بود که وقتش را فراموش کرده و نمی داند و مبتدئه که ابتداءً بود و یا مضطربه بود که اصلاً نه به وقت تطبیق می کند نه به عدد، در زندگی خودش رویت دم دارد نه با عدد منطبق است نه به وقت، مضطربه است در این سه صورت یک حکم جامد داریم به طور کل، ادله صفات محکم است اگر دارای صفات بود حمل به حیض می شود و اگر دارای

صفات نبود حمل به حیض نمی شود در هر سه مورد در صورتی که عادت دیگر نیست که اگر عادت بود که بحثش جدا بود عادت که نبود این سه مورد که عادت ندارند تشخیص حیض برای این سه مورد از طریق صفات است، صفات باید محقق بشود و سیدنا می فرماید که طریقت صفات و اماریت صفات در این سه مورد، مورد اتفاق عموم فقهاء هست یعنی می شود متسالم علیه عند الاصحاب. اما اگر صفات هم درست نبود که صفات یا مورد شک بود یا صفات اصلا وجود ندارد در این صورت چه کاری باید بکنیم؟ یک ماه است مستمر خون می بیند و صفات هم نیست چه بشود؟ اینجا است که دست به دامن قاعده امکان بزینم رسیدیم به قاعده امکان، قاعده امکان به طور موجز اشاره کردم الان رسیدیم سیدنا الاستاد و سید الحکیم و علامه حلی و شیخ انصاری قاعده امکان را مبسوط بحث می کنند رسیدیم به قاعده امکان که ان شاء الله بعد از تعطیلات ماه رمضان و آخرهای تابستان، دو توصیه برای ماه رمضان که از سنت طلبگی و روحانیت و متشرعه است که در ماه رمضان باید قرآن را شخصا ختم کنید اگر کسی یک قرآن ختم نمی کند ماه رمضان، از امام صادق روایت هست که خود امام صادق ماه رمضان شش تا قرآن ختم می کرده. می گوئید سخت است یک نکته ای برایتان بگویم کار عبادی سختی ندارد به طرفش که بروید خدا کمک می کند. کار عبادی سختی ندارد. حداقل یک قرآن الزامی است ادعیه ایام که در تعقیب فرائض آمده بسیار مهم است عالی تر از همه دعای ابوحمزه ثمالی است حال می کند آدم، می گوئید نمی شود چرا نمی شود؟ بخوانید می شود بیست دقیقه وقت می گیرد بیست دقیقه بگذارید برای دعای ابوحمزه ثمالی در وقت افطار و وقت سحر قبل از خوردنی سوره قدر خیلی خواندنش مهم است در اوائل جوانی یاد دارم که این روایت را دیده بودم که اگر کسی سوره قدر وقت سحر و افطار بخواند در بین این دو ساعات مثل شهیدی است که در راه خدا با خون خودش غوطه ور است فضل خداست. این نکته ها و نکته اصلی پاکسازی صوم پاکسازی کامل روحی است، یک نکته هر کسی یک ذره در برابر کسی اگر بدبین است از ذهنش دور کند یک ذره کینه دارد ناراحتی دارد دور کند. ما به کسی کار نداریم ما باید بین خود و خدایمان کارمان درست کند آن از آن آدم بدم می آید منتفرم، ببر و قطع کن با او رابطه نداشته باش و اگر ارحام بود باید حداقل ارتباط را حفظ کنید هرچند گر نمی شود شما یک سلام بدهید جواب او را کار نداشته باشید صله رحم در ماه رمضان بسیار مهم و اساسی است. یک نکته دیگر هم بگویم ماه رمضان روز اول باید نشان بدهد نماز شب اول ماه رمضان باید خودش می کشد رمضان اگر با آدم آمد اختیاری نیست روز اول شب اول نماز را که شروع می کنید از تکبیر تا تسبیح داخل نمازید خودش می کشد تا که از جانب معشوق نباشد کششی، کوشش عاشق بیچاره به جایی نمی رسد. گرفتاری دنیا و حوائج دنیا و مصائب دنیا همیشه هست که باشد که باشد چی کار داریم تمام هم نمی شود که نشود ما باید در هر شرائط به وظیفه خودمان عمل کنیم که وظیفه خودمان توجه کنیم که وظیفه مان این است که اول عبادات اولیه است این نماز و روزه خوب و یک سال جنبه روحانی آدم را تقویت می کند توفیق و سعادت و آرامش روحی. الها وفقنا لما تحب و ترضی.

[1] وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج2، ص540، ابواب حیض، ب4، ح2، ط اسلامیة.

[2] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، السید ابوالقاسم الخوئی، ج1، ص178.

- [3] وسائل الشيعه، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص540، ابواب حيض، ب4، ح1، ط اسلاميه.
- [4] الحقائق الناضره، الشيخ يوسف البحراني، ج3، ص215.
- [5] وسائل الشيعه، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص556، ابواب حيض، ب13، ح1، ط اسلاميه.
- [6] وسائل الشيعه، الشيخ الحر العاملي، ج2، ص540، ابواب حيض، ب4، ح5، ط اسلاميه.